

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

لاله: هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۲۹ اپریل ۲۰۱۴

پیامد های ناگوار ۷ و ۸ ثور بر اندیشه چپ در افغانستان

هر سال در چنین روزی، خاطره سیاه و تاریک کودتای خونین حزب منفور دموکراتیک «خلق» که سر آغاز تجاوز و حشیانه چکمه پوشان ارتش «سرخ» و به قدرت رسیدن پادوان رویونیستی کرملین می باشد، در اذهان توده های درد دیده و آسیب رسیده ما تازه می شود و همه ساله با نشر و پخش ده ها مقاله چگونگی وقوع این روز سیاه از آدرس های مختلف به بحث گرفته می شود؛ اما تا حال کمتر نوشته ای در رابطه به تأثیرات بد و مخرب این واقعه خونین بر اندیشه چپ و علم مارکسیسم و تأثیرات منفی که بر فعالیت های جنبش چپ در افغانستان وارد نموده، تحریر یافته است.

برای پرهیز از تکرار طوطی وار بروز حوادث قبل و بعد از کودتای هفت ثور و خسارات مالی و جانی که در جریان چهل سال گذشته خلق ما از رهگذر این کودتای ننگین متحمل شده، جهات دیگر را کنار گذاشته و تمرکز این نوشته را روی تأثیرات ناگوار کودتای ننگین ثور بر اذهان توده ها از کمونیسم و اندیشه چپ به بررسی می گیریم.

در نوشته ها و تبصره های بنیادگرایان اسلامی، تکنوکرات های غربی و جریانات ضد مارکسیستی اولین موضوعی که انعکاس می یابد، این است که کودتای هفت ثور از سوی «کمونیست ها» راه اندازی گردید و باعث و بانی تمامی بدبختی ها «کمونیست ها» می باشند!!؟، و دلیل آن تبلیغات گسترده حزب منفور دموکراتیک «خلق» با سوء استفاده از نام ولای کمونیسم و پیروی از سیاست های رویونیستی خروشچفی (سه مسالمت آمیز و دو تمام خلقی) و بلند نمودن کاذبانه شعار (خانه، لباس و نان) و راه اندازی «اصلاحات» دروغین ارضی و صدور فرمان های احمقانه و پیهم «نابغه شرق»، می باشد که نتیجه آن جز بدنامی و ضربه زدن به کمونیسم، چیزی دیگری به همراه نداشته است.

حزب دموکراتیک «خلق» با به دست گرفتن قدرت سیاسی از راه کودتا قصد داشت تا بدون گذار از کوره راه انقلاب که رهبران پرولتاریا به شکل علمی و اصولی آن را ترسیم نموده اند، با راه اندازی چند مارش و سر دادن شعار های «سرخ» و «آتشین» آنهم در شهر ها به خصوص کابل، «انقلاب» صادراتی رویونیست های شوروی را در کشور نیمه مستعمره – نیمه فیودالی افغانستان که هنوز در آن نشانه های بسیار کوچکی از کار و سرمایه دیده نمی شد، روابط مستعمراتی از نوع «کومیکون» را در پوشش «انقلاب سوسیالیستی» آنهم به شکل تحمیلی و جبری و بدون آمادگی مردمی را به راه بیندازد؛ که با مقاومت شدید توده های گسترده ما مواجه شد و اعتراضات وسیعی علیه افکار و سیاست های غلط کودتا چپان در سراسر کشور آبنسن گرفت.

رهبران حزب دموکراتیک «خلق» که متوجه موج اعتراضات و آغاز شورش ها و قیام ها گردیدند، در اوایل با به زندان انداختن مخالفان تصمیم داشتند تا جلو گسترده شدن این قیام ها را بگیرند، اما با دستگیری هر چه بیشتر مخالفان، شورش ها و مخالفت ها سیر صعودی را به خود گرفت، تا این که با طرح «سیاست حذف مخالفان»، عملاً آستین ها را

به کشتار مخالفان بالا زدند و هزاران انسان را قتل عام نمودند. نشر لست های دوازده هزار نفر در برابر وزارت داخله وقت و پنج هزار نفر که اخیراً به نشر رسیده، گوشه های کوچکی از جنایاتی اند که از آدرس «کمونیسم» از سوی نوکران حلقه به گوش سوسیال امپریالیسم شوروی به وقوع پیوسته اند.

هیاهوی شعار های «انقلاب شکوهمند هفتم ثور»، «انقلاب برگشت ناپذیر ثور» و راه اندازی تقریباً همه روزه مارش ها و نمایش های خیابانی و بالاخره تبلیغات وسیع برای جا زدن کودتای ننگین و خونین ثور به جای انقلاب هر روز افزایش می یافت و با پوشیدن لباس ها و یونیفورم های سرخ و نصب پرچم های سرخ تلاش داشتند تا خلق زحمتکش و درد دیده ما را تحمیلأ متقاعد نمایند که «انقلاب» برای شان خوشبختی می آورد. اما با درکی که مردم ما از ماهیت مزدور منشی مشتی نوکر و جاسوس داشتند و برخورد ها و اعمال غیر انسانی آنها را با چشم سر می دیدند، به ماهیت واقعی آنها هر روز بیشتر پی می بردند.

به قدرت رسیدن فاشیست های مذهبی پس از سقوط دولت دست نشانده نجیب در هشتم ثور ، فضا را برای آغاز دور جدیدی از جنگ های خونین مساعد ساخت که از اثر آن ده ها هزار انسان کشته و زخمی شدند. آواره شدن اجباری میلیون ها انسان و انهدام تمامی زیرساخت های ابتدائی کشور ثمره «پیروزی» تنظیم های جهادی می باشد که نشانه های ویرانی ها و بربادی های گسترده آنها با گذشت بیش از دوازده سال از یلغار غربی ها کماکان در کابل به وضوح دیده می شود.

تنظیم های جهادی در طول جنگ با دولت دست نشانده کابل و عساکر متجاوز شوروی، برای لحظه ای هم ضدیت شان را با جنبش چپ کشور از یاد نبردند و از هر وسیله ای برای تخریب شعله بی های استفاده می کردند، تا جایی که حزب اسلامی گلبدین حکمتیار با شعار «شعله بی ها خطرناکتر از خلق و پرچم اند»، فضای به شدت مختنقی را برای نیرو های جنبش چپ در کشور به وجود آورد.

شعله بی ها از آغاز کودتای خونین ۷ ثور تاکنون به صورت دوامدار مورد حملات خصمانه دشمنان خویش قرار گرفته، چنان که خلقی ها و پرچمی ها که نگاه رویزونیستی به مارکسیسم داشتند، شعله بی ها را دشمنان قسم خورده شان قلمداد نموده و طوری که در لست های منتشره دیده می شود جمع کثیری از آنان را به نام «مائویست» به پولیگون ها روانه ساختند و از جانب دیگر بنیادگرایی اسلامی که مذهب را سلاح خویش ساخته، شعله بی ها را دشمنان خطرناکتر از خلقی ها و پرچمی ها تبلیغ می نمودند و تا جایی که دست شان می رسید، در قتل و کشتار شان از هیچ وسیله ای دریغ نمی ورزیدند.

جنبش چپ افغانستان در چنین وضعیتی، زمانی قرار گرفت که حزب دموکراتیک خلق با وسیله قراردادن کمونیسم، ضربات بس سهمگین را به این اندیشه وارد آورد و تا توانست در تخریب آن عمل نمود.

با وجود اختناقی ساختن شرایط مبارزه از هر دو سو، شعله بی ها نه در جریان مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم شوروی و پادوان داخلی آن و نه بعد از آن لحظه ای آرام ننشسته و با متانت و استواری از راه شان دفاع نموده و در هیچ جنایت و خیانت چهار دهه اخیر سهم نداشته و همیشه برای اعاده حیثیت کمونیسم مبارزه جدی و پیگیرشان را ادامه داده اند. مطمئناً افراد انگشت شماری که اراده قوی و عزم متین در راه انقلاب نداشته به این ایدئولوژی پشت پا زده و شرف و وجدان خود را به دشمنان انسان و انسانیت فروخته اند.